

اخبار اجتماعی

اظهارات عجیب یک مسئول:
کودک آزاری
اجتناب ناپذیر است



مدیر کل دفتر مدیریت عملکرد سازمان بهزیستی کشور در واکنش به کودک‌آزاری در مهد کودک‌ها گفت: در محیط‌های اجتماعی مثل مهد کودک و مدرسه هر چه قدر تلاش کنیم و خوب کار کنیم، باز هم شاهد آسیب‌ها هستیم و این موضوع اجتناب‌ناپذیر است.

سیدحسین موسوی چلک در خصوص کودک‌آزاری در مهد کودک‌ها اظهار داشت: در مقوله کودک‌آزاری محدودیت مکانی و زمانی وجود ندارد، چنان‌چه اگر تحلیلی بر اخبار داشته باشیم در خانه، محیط‌های اجتماعی و... همواره شاهد کودک‌آزاری هستیم.

وی افزود: وجود پدیده کودک‌آزاری در همه مکان‌ها این پیام‌رانی‌رساند که هر چه قدر نظارت تقویت شود و آموزش داده شود، باز هم شاهد کودک‌آزاری هستیم. در داخل منزل نزدیک‌ترین افراد به فرزندان به آنها آسیب می‌رسانند و آزارگر هستند. در محیط‌های اجتماعی مثل مهد کودک و مدرسه هم هر چه قدر تلاش کنیم و خوب کار کنیم، باز هم شاهد آسیب‌ها هستیم و این موضوع اجتناب‌ناپذیر است.

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی خاطر نشان کرد: آزار کودک‌کان یکی از مواردی است که بعد از تأییدشدن آن منجر به تعطیلی، اخطار و احضار عوامل نظارتی مرکز مربوطه می‌شود، اما در خصوص مهد کودک‌ها موضوع به شکل پیشگیری بعد از بحران نیست و قبل از پیشامد مشکلات یا عواملی مثل کودک‌آزاری تمامی افراد گزینش می‌شوند و به شکلی نیست که به راحتی مجوز فعالیت صادر شود، ضمن اینکه کادر باید دوره‌های خاصی هم بگذرانند.

او افزود: واقعیت این است بیشترین مکانی که کودک‌آزاری در آن شکل می‌گیرد، خانه‌ها هستند و مدرسه و مهد کودک هم کمتری از این‌چرخه دارند و در حقیقت شیوع پدیده کودک‌آزاری در محیط‌های اجتماعی مثل مهد کودک و مدرسه به مراتب بسیار کمتر از چیزی است که در خانه‌ها اتفاق می‌افتد و به عبارتی مدارس و مهد کودک‌ها مصداق رفتار کودک‌آزاری به آن شدتی که در خانه‌ها وجود دارد، نمی‌شوند.

موسوی چلک یادآور شد: باین حال هر چه قدر روی پیشگیری کار شود، باز هم شاهد وقوع برخی پدیده‌ها خواهیم بود و این موضوع اجتناب‌ناپذیر است، چرا که ما با انسانی سروکار داریم که رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی دارد، اگرچه آموزش مهمترین محور کاهش و کنترل روند آسیب‌های اجتماعی از جمله کودک‌آزاری است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را کتمان کند.



کودکانی که به مدرسه
نمی‌روند را معرفی کنید



وزیر آموزش و پرورش در پیامی که در فضای مجازی منتشر کرد از فعالان اجتماعی و سمن‌ها درخواست کرد کودکانی را که به مدرسه نمی‌روند، به آموزش و پرورش معرفی کنند.

سید محمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش در صفحه شخصی خود در توییتر نوشت: سال گذشته با پوشش «از مهر جا نماند» به استقبال ۴۵۳ هزار و ۳۳۵ دانش‌آموز افغانستانی، پاکستانی و... رفتیم.

امسال نیز تلاش شد تا هیچ دانش‌آموزی از مهر جا نماند. اگر کودکی را می‌شناسید که به هر دلیلی هنوز به مدرسه نمی‌رود؛ به ما اطلاع دهید.

وی در ادامه نوشت: از همه فعالان اجتماعی، سمن‌ها و شهروندان می‌خواهم به کمک کنند تا کودکی از تحصیل جا نماند. در این پیام وزیر خواسته شده تا از طریق شماره ۰۹۱۶۳۳۴۱۰۰ اطلاع‌رسانی شود.

اغلب مردم جهان، مبتلابه
نظریه «توطئه» هستند و
معتقدند که قدرت‌ها، برای
حفظ خود و منافع‌شان،
این‌جارو جنجال‌رابه
راه‌انداخته‌اند و در صد
آن هستند که مردم را
در استفاده از طبیعت و
برآورده کردن نیازهای
طبیعی زیستی، محدود
کنند و همه زمین‌را در
انحصار خود در آورند

تمام برنامه‌های توسعه‌ای با توجه به تغییر اقلیم بازنگری شود تا شاهد توسعه ناپایدار نباشیم.

رابطه جهان‌بینی ما و انکار
واقعیت‌ها

چند تحقیق مهم که در سال‌های اخیر توسط محققان در دانشگاه ییل انجام شده، نشان می‌دهد که رابطه زیادی بین داشتن جهان‌بینی عمیقاً «برابر‌گرایانه» و «جماعت‌گرایانه» و «پذیرفتن اجماع دانشمندان» مبنی بر واقعی بودن خطر تغییر اقلیم وجود دارد. افرادی که جهان‌بینی‌شان، عمیقاً آن‌ها را به سمت گنش دسته‌جمعی، عدالت اجتماعی، دغدغه‌مندی نسبت به تبعیض و نابرابری در جامعه و شکایت نسبت به قدرت شرکت‌ها متمایل می‌کند، راحت‌تر تغییر اقلیم را به مثابه خطری واقعی و جدی می‌پذیرند. از آن طرف، افرادی که دارای جهان‌بینی عمیقاً «سلسله‌مراتب‌گرا»، «فردگرا» و «تقدیر‌گرا» هستند، اغلب با وفاق علمی دانشمندان درباره واقعی بودن تغییر اقلیم مخالفت می‌کنند. معمولاً جهان‌بینی این افراد آن‌ها را به مخالفت با حمایت دولت از اقلشار کم‌درآمد و اقلیت‌ها، پشتیبانی از حمایت گسترده دولت از صنایع و اعتقاد به این که «هر چه نصیب‌مان می‌شود حق‌مان است» متمایل می‌کند.

محقق ارشد این تحقیق‌ها به نام «دان کاهان» رابطه محکم بین «جهان‌بینی» و پذیرش دانش تغییر اقلیم را مرتبط با پدیده «دراک فرهنگی» می‌داند. ادراک فرهنگی فرایندی است که همه ما، صرف‌نظر از باورهای سیاسی‌مان، به کمک آن اطلاعات جدید را تصفیه می‌کنیم تا بتوانیم از تصویر مطلوبی که از یک جامعه خوب داریم محافظت کنیم. اگر اطلاعات جدیدی که به ما ارائه می‌شود با این تصویر مطلوب سازگار باشد، ما به آن خوش‌آمد می‌گوییم و به راحتی می‌پذیریم. اما اگر این اطلاعات باورهای ما را به چالش بکشند، مغزمان فوراً پادتن‌های ذهنی لازم را برای دفع تهاجم انجام‌شده تولید می‌کند.

دانشمندان چه می‌گویند؟

در مورد زمین‌تخت‌باوران، بخش مهمی از استدلال تغییرات اقلیمی مردم‌زاد علمی بر این پایه است که شدت دمای هوا هم در تابستان و هم زمستان افزایش یافته است. از قرار معلوم، یک مدل زمین‌تخت نمی‌تواند از این ایده پشتیبانی کند. در واقع قابل قبول‌ترین مدل‌های زمین‌تخت که می‌گویند خورشید در مداری مدور و ثابت در بالای دیسک تخت در حال چرخیدن است، نشان می‌دهند که اصلاحیچ فصلی نباید وجود داشته باشد؛ چه رسد به این که شدت دمای فصلی در چند دهه علت تغییرات اقلیمی محسوب شود!

ادوین آلدراین، با اشاره به این که بدون مصرف گازهای گلخانه‌ای دما منفی ۱۸ کاهش درجه می‌یابد می‌گوید: افزایش جمعیت و استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی از جمله دلایل افزایش دما در کره زمین است. معاون رئیس کارگروه اول IPCC بر اساس یافته‌های گوید: گرمایش زمین به صورت یکنواخت اتفاق نمی‌افتد؛ بیشترین گرمایش در نواحی قطبی تأثیر گذاشته است. تغییرات سطح دریاها که بر اساس تصویربرداری ماه‌های اخیر انجام گرفته، نشان می‌دهد افزایش دمای این مناطق زیاد است.

آل‌دراین به دو احتمال برای افزایش دما در میان اندیشمندان همکار خود در IPCC اشاره می‌کند: افزایش ۲ درجه‌ای و ۴ درجه‌ای دما. با افزایش ۴ درجه‌ای دما، ما با مشکلات اساسی در تأمین مواد غذایی جهان مواجه خواهیم شد. او می‌گوید حتی مداخله‌ما به صورت مثبت خالی از خطر نخواهد بود؛ هر مداخله‌ای هم داشته باشیم باز هم در آینده تغییرات آب و هوایی را تجربه خواهیم کرد.

بر اساس آن چه آل‌دراین می‌گوید، این تغییرات اقلیمی در کشورهایی مثل ایران که با مشکل بیابان‌زایی دست و پنجه نرم می‌کند، قابل‌لمس‌تر است. اما همه کشورها به نوعی از این مسئله تأثیر خواهند پذیرفت.

پرهیزکار، رئیس سازمان هواشناسی کشور می‌گوید: رشد توسعه‌ای در منطقه ما نمونه عینی توسعه ناپایدار است، ما بیش از حد توان منطقه خود توسعه و برداشت داشته‌ایم و این روش باعث شده منابع سطحی آبی‌مان را از دست بدهیم و برای ادامه روند توسعه به لایه‌های آب‌های زیرزمینی تکیه کنیم که متأسفانه آب‌های زیرزمینی هم به دلیل محدودیت در حال از بین رفتن هستند.

وی هشدار می‌دهد که کاهش بارش ۱۰ ساله در ایران شهادی بر این تغییرات است علاوه بر این مادچار افزایش دما در مناطق کشورمان بشدایم که گاهی این تغییرات دمای از دو درجه هم بیشتر بوده است. در این شرایط لازم است

مدارک و شواهد علمی نشان می‌دهد که تغییر اقلیم وجود دارد. افزایش دمای کره زمین، افزایش ذوب شدن یخ‌ها، افزایش طراز آب و... مستنداتی برای تأیید تغییر اقلیم هستند. بحث اصلی این است که در مورد تغییر اقلیم چه کاری می‌توانیم انجام دهیم. به نظر می‌رسد که لازم است دانشمندان این موضوع را برای مردم خوب و به زبانی قابل فهم تشریح کنند. چرا که برخی ایده تغییر اقلیم را نمی‌پذیرند.



ما، یعنی بسیاری از مردم
ما، و نیز برخی از مسئولین
نیز در زمره انکار کنندگان
هستند و اگر نه در حرف، اما
در عمل، تقریباً هیچ وقعی
به فجایع زیست‌محیطی که
در کشورمان در حال وقوع
است نمی‌نهند

قطبی برای زمین‌قائل نیستند، چگونه می‌توانند بپذیرند که یخ‌های قطب در حال ذوب شدن است؟!

اما این اعتقاد، مختص زمین‌تخت‌گرایان نیست؛ اغلب مردم جهان، مبتلا به نظریه «توطئه» هستند و معتقدند که قدرت‌ها، برای حفظ خود و منافع‌شان، این‌جارو جنجال‌رابه راه انداخته‌اند و در صد آن هستند که مردم را در استفاده از طبیعت و برآورده کردن نیازهای طبیعی زیستی، محدود کنند و همه زمین‌را در انحصار خود در آورند. مردم می‌گویند، حتی اگر تغییراتی در اقلیم اتفاق می‌افتد، ربطی به دست کاری‌های مردم ندارد و این تغییرات «مردم‌زاد» نیست. بلکه دست خود قدرت‌ها در کار است.

ناباوران می‌گویند: حکومت‌ها و دانشمندان به شدت غیر قابل اعتماد و فاسدند، پس چرا باید به آن‌ها اعتماد کرد؟ چرا کسی که در مورد شکل زمین به حکومت‌ها و دانشمندان بدگمان است، گزارش‌های همین سیاستمداران و سازمان‌های علمی را در مورد تغییرات اقلیمی، جعلی نداند؟

انجام دهیم. به نظر می‌رسد که لازم است دانشمندان این موضوع را برای مردم خوب و به زبانی قابل فهم تشریح کنند. چرا که برخی ایده تغییر اقلیم را نمی‌پذیرند. در حالی که شواهد مختلف رخداد این پدیده را ثابت می‌کند. رئیس بخش اطلاع‌رسانی IPCC می‌گوید تأثیر تغییرات اقلیم غیر قابل انکار است، برای افرادی که تغییر اقلیم را نمی‌پذیرند باید در مورد تأثیرات این پدیده صحبت کرد. هیچ دانشی تغییر اقلیم را انکار نمی‌کند. گزارش‌های IPCC صرفاً اطلاعات فیزیکی نیست، بلکه از جوانب مختلف از جمله توسعه اقتصادی نیز مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین لازم است بین یافته‌های علمی و سیاست‌گذاران‌ها جانب احتیاط رعایت شود.

عدم اعتماد عمومی به قدرت

شاید این موضوع برای تان جالب باشد که در همین قرن که در آن زندگی می‌کنیم، با وجود پیشرفت‌های فراوان در فضانوردی و فرستادن انواع ماهواره‌ها به خارج از جو زمین و عکسبرداری‌های مختلف از زمین، ۱۶ درصد از مردم جهان هنوز معتقدند که زمین «تخت» است و کروی نیست! بر اساس همین اعتقاد، زمین‌تخت‌گرایان گزارش‌های ناسا را درباره شکل قطب جنوب، دروغ می‌پندارند. در واقع آن‌ها اصلاً به وجود چیزی به نام نیم کره جنوبی اعتقاد ندارند. و هر داده و اطلاعاتی در این زمینه را نوعی فریب کاری از سوی سیاستمداران حاکم می‌دانند و تغییرات اقلیمی را انکاری می‌کنند. و این البته طبیعی است؛ افرادی که هیچ

مهم‌ترین فاجعه‌ها بعد از این مرحله به وقوع خواهد پیوست. این پدیده‌ها آوارگی و سی‌خامنی، مهاجرت‌های کلان، بی‌تابی‌تی - امروزه ده میلیون نفر بی‌ز تابعیت در جهان وجود دارد- بی‌کاری، فقر و ناامنی در پی خواهد داشت. تغییر اقلیم، زندگی صدها میلیون انسان را تغییر داده و مصیبت‌های فراوان کرده، اما بیشتر آن‌ها حتی آگاهی ندارند که قربانی تغییرات اقلیم هستند.

استیون هاو کینگ که بارها و بارها از ترس خود نسبت به گرمایش زمین صحبت کرده، معتقد بود زمین در سال‌های آینده قدری گرم خواهد شد که زندگی بر روی آن برای بشر غیر قابل تحمل خواهد بود، و بشر باید خود را آماده مهاجرت از زمین بکند. چون به زودی زمین مانند سیاره ناهید، غیر قابل زیست خواهد بود.

بر اساس یافته‌های ناسا سیاره ناهید، که دومین سیاره نزدیک به خورشید است، چهار میلیارد سال قبل بیشترین شباهت را به زمین داشت و برای حدوداً دو میلیارد سال قابل سکونت بود. یعنی در سطح آن آب جاری بود و دمای متعادل شبیه دمای زمین داشت.

رئیس بخش اطلاع‌رسانی IPCC -هیئت بین دولتی تغییرات اقلیمی- جاناتان لین می‌گوید: مدارک و شواهد علمی نشان می‌دهد که تغییر اقلیم وجود دارد. افزایش دمای کره زمین، افزایش ذوب شدن یخ‌ها، افزایش طراز آب و... مستنداتی برای تأیید تغییر اقلیم هستند. بحث اصلی این است که در مورد تغییر اقلیم چه کاری می‌توانیم



اگرچه اخبار حوادث مختلف اقلیمی را هر روز می‌شنویم؛ حوادثی مانند زلزله‌های شدید همراه با سونامی، رانش زمین، فرونشست زمین، خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها، انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری مختلف... اما هنوز بسیاری از مردم و نیز دولت‌ها، هشدار درباره تغییرات اقلیمی را نوعی فریب می‌دانند و یا باور نمی‌کنند و یا بدتر از آن، منکر هر گونه تغییری می‌شوند.

بسیاری از مردم، و نیز برخی از مسئولین نیز در زمره انکار کنندگان هستند و اگر نه در حرف، اما در عمل، تقریباً هیچ وقعی به فجایع زیست‌محیطی که در کشورمان در حال وقوع است نمی‌نهند. این در حالی است که اکثر مردم، نسبت به محیط زیست، نیالودن آن با زباله‌هایی که دیر از منابع طبیعی مثل آب و خاک، کاملاً بی‌توجه‌اند. نمونه‌اش، بر جای زباله‌های پیک‌نیک است که بعد از هر مسافرت، مردم از خود بر جای می‌گذارند.

تغییر اقلیم یک زنجیره بهم پیوسته است که از فعالیت‌های توسعه‌ای به خصوص مصرف سوخت‌های فسیلی آغاز می‌شود و پیامدهای متعددی دارد که میزان تولید گازهای گلخانه‌ای، کنترل آن و در نهایت پدیده‌های ناشی از آن، از قبیل گرم شدن زمین، زلزله‌ها، رگرفت‌ن سکونتگاه‌ها، توفان‌ها، سیل‌ها و یا خشکسالی‌هاست. در حالی که

یادداشت

انسان بودن، جهان وطن بودن است

آسیه ویسی

«فرد اولمن» نقاش و نویسنده، در رمان «دوست باز یافته» می‌گوید: «فاشیست بودن یا ناسیونالیست بودن، کار دشواری نیست. کافی است چشم بر ارزش‌های انسانی ببندیم و کمی با حرف‌های کلی سرگرم بشویم، زبان خود را بهترین زبان دانستن و زبان دیگری را گوش‌خراش خواندن، موسیقی قومی خود را سحرانگیز دانستن و موسیقی دیگری را سرسام‌آور خواندن، لباس محلی خود را زیبا نامیدن و لباس محلی دیگری را به تمسخر گرفتن، سنت‌های قبیله‌ای خود را

ستودن و سنت‌های قبیله‌ای دیگری را ابلهانه خواندن... و در دناک‌ترین که آسیب دیدگان از ناسیونالیسم و قوم‌پرستی، خود به قوم‌پرستی تندرو تر بدل می‌شوند و این چنین، انسان به جای رهایی از چنگال تعصب و تلاش برای گسترش هم زیستی، تعصب بیشتر را به عنوان شیوه نجات برمی‌گزینند.»

چنین رویکردی، بی‌تعارف در میان اغلب ما ایرانیان رواج دارد. ایران، سرزمینی است که از قومیت‌های مختلف تشکیل شده و این قوم‌ها، با زبان و آداب و رسوم خاص خود، قرن‌هاست در کنار هم زندگی می‌کنند. اما این زندگی، زندگی از نوع همگرایی نیست. زمانش

که برسد و موقعیت که ایجاد کند، هر کدام از ما، علم قوم و زبان خود را بر می‌افزایم و دهان به طعن و تمسخر و گاه لعن و نفرین اقوام دیگر باز می‌کنیم. فرقی هم نمی‌کند که تاجه حد، فرهیخته و دانشگاه دیده باشیم؛ که از قضا اگر چنین باشیم همین مزیت اکتسابی را هم به قومیت خود نسبت می‌دهیم. درباره دعوای ده بالا و ده پایین همه شنیده‌ایم!

اغلب رفتارهای ما با دیگر اقوام، در اکثر مواقع اگر نخواهیم از کلمه فاشسیسم یا ناسیونالیسم استفاده کنیم؛ متعصبانه و جانبدارانه است. ما مدام در حال قضاوت کردن اقوام دیگر هستیم.

این مسئله به خصوص وقتی پای جواز بین‌المللی به میان می‌آید، بیشتر خود را نشان می‌دهد. نمونه بارزش، جایزه صلح مشترکی است که دیانای ایزدی، این روزها دریافت کرده و قومیتی از ایران، به خصوص در صفحات مجازی، وی را مصداق به مطلوب کرده و او را برای قوم و در کلی‌ترین حالت برای «ملت» خود افتخاری بزرگ می‌دانند و در کنار آن آرزوی نوبل ادبیات را برای همان قوم و «ملت» دارند. در حالی که بر خورد رسانه‌ای با این مسئله، بدون هیچ نشانی از قومیت‌گرایی بود و تقریباً تمام مردم خوش حال بودند که دختری توانسته از جنگ داعش بگریزد و کاری برای انسان‌های اسیر در دست این جنایت‌کاران بکند و صدای آن‌ها را به گوش جهانیان برساند.

وقتی پای مظلومیت و حق‌کشی در میان است، وقتی پای رنج و درد انسان در میان است، چه فرقی می‌کند که این انسان، متعلق به کدام قوم، یا زبان باشد؟ برای آنان که چشم امید به امداد‌های جهانی دوخته‌اند، چه فرقی می‌کند که دیانا، از چه قومیتی است و به چه زبانی سخن می‌گوید؛ برای همه مظلومین و اسیران جهان، این اتفاق، یعنی هنوز می‌توان به آزادی و نیز همگرایی امیدوار بود. این که هنوز می‌توان به «انسان» و دست‌های نجات‌بخش او ایمان داشت.

بگذاریم به عنوان مردمی که در طول این سالیان، فشار انواع سستم‌ها و تحریم‌ها و تحقیرهای داخلی و خارجی را تحمل کرده‌ایم، این اتفاق در میان‌مان بیفتد؛ این که برای مان قوم و زبان و آداب و رسوم، موجب همگرایی شود و نه موجب تفاخر و واگرایی و به کنج و گوشه کشیدن خود و دیگران.